

سرمقاله

نقش تسهیلات بانکی

در تقویت تولید و ثبات اقتصادی

ادامه از صفحه یک...تکن‌خی حرکت کند؛ سیستمی که علاوه بر ایجاد شفافیت در معاملات ارزی، می‌تواند زمینه کاهش رانت و فساد در بازار ارز را فراهم کند. تجربه چندین ساله اقتصاد ایران نشان داده است که وجود نرخ‌های متعدد ارز، مشکلات عدیده‌ای ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین این مشکلات، صدور مجوز ثبت سفارش کالا توسط وزارت صمت و دیگر نهادها است که با تأخیر و پیچیدگی‌های فراوان مواجه می‌شود. علاوه بر آن، کشتی‌ها در بنادر برای دریافت ارز چندین روز و حتی هفته‌ها در انتظار می‌مانند که نه تنها هزینه‌های واردات را بالا می‌برد، بلکه فرصت‌های اقتصادی را نیز از دست می‌دهد. وجود نرخ‌های متفاوت برای ارز، زمینه ایجاد رانت و فرصت‌طلبی در بازار را فراهم کرده است. افرادی که به ارز ارزان‌تر دسترسی دارند، می‌توانند کالاها را با قیمت پایین وارد کنند و در بازار آزاد با نرخ بالاتر بفروشند. این رفتار نه تنها به تولید داخلی آسیب می‌زند بلکه نظام بازار را نیز بر هم می‌زند. بر اساس ساختار نهادی کشور، بانک مرکزی متولی بازار پولی و مدیریت ارز است و باید مسئولیت اجرای سیاست ارز تک‌نرخ‌ی را بر عهده گیرد. سازمان بورس نیز به عنوان نهاد ناظر بر بازار سرمایه، حوزه تخصصی خود را مدیریت می‌کند و دخالتی در سیاست‌گذاری ارزی ندارد. با این‌حال، بانک مرکزی با محدودیت‌هایی مواجه است که ریشه در عوامل خارجی دارد؛ از جمله عدم عضویت ایران در FATF و نداشتن دسترسی کامل به سیستم سوئیفت بانکی که نقل و انتقالات ارزی را دچار مشکل کرده است. این موانع، اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز را دشوار کرده‌اند و نیازمند همکاری وزارت امور خارجه و دیپلماسی اقتصادی برای رفع این محدودیت‌ها است. بر اساس آمارها، ایران سالانه حدود ۶۰ تا ۶۵میلیارد دلار واردات و نزدیک به ۵۰میلیارد دلار صادرات غیر نفتی دارد. مابه‌التفاوت این دو رقم، یعنی حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار، به Sadگی می‌تواند از طریق درآمدهای نفت و گاز تأمین شود. بنابراین، امکان وجود بودجه‌ارزی متوازن و پایدار که پایه نظام ارز تک‌نرخ‌ی باشد، وجود دارد. چالش اصلی اما، عدم بازگشت به موقع ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی است. این موضوع نه تنها توازن ارزی را به هم می‌زند، بلکه باعث کمبود منابع ارزی برای واردات کالاها ی ضروری می‌شود. لازم است سازوکاری طراحی شود تا صادرکنندگان را به موقع ارز خود را عرضه کنند و از فرصت‌های غیرقانونی و رانت‌آفرین جلوگیری شود. یکی از شروط اساسی برای موفقیت نظام ارز تک‌نرخ‌ی، ایجاد پیوند منطقی و اقتصادی میان ارز حاصل از صادرات و ارز مورد نیاز واردات است. صادرکنندگان باید تشویق شوند که ارز خود را بر اساس ارزش افزوده تولیدشده عرضه کنند، نه بر اساس نرخ‌های متناقض بازار آزاد. به عنوان مثال، کالاهایی مانند محصولات پتروشیمی، صنایع ساختمانی و فولاد که ارزش افزوده بالتری دارند، باید مشوق‌های بیشتری دریافت کنند تا انگیزه صادرات پایدار ایجاد شود. طرح پیشنهادی می‌تواند مبتنی بر نرخ پایه دلار (مثلاً ۵۰ هزار تومان) باشد، اما برای کالاهای با ارزش افزوده بالا، پاداش افزایشی تا ۸۰ درصد نرخ پایه (حدود ۴۰ هزار تومان اضافه) در نظر گرفته شود. این پاداش باید بلافاصله پس از عرضه ارز به صادرکننده پرداخت شود تا نقدینگی به سرعت به چرخه بازگردد.

یادداشت

ضرورت آمادگی برای مقابله با عملیات

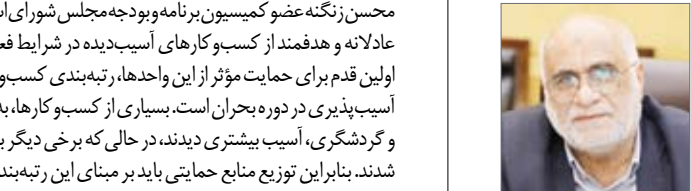
غافلگیرانه صهیونیست‌ها

ادامه از صفحه یک...نکته بدنی این است که یکی از مهم‌ترین مسائلی که در بحث دفاع مطرح است، این است که ما باید با دشمن ابتدا در خارج از مرزها مواجه شویم و آن‌ها را در خارج از مرزها متوقف کنیم. در دکتربین جنگ موانع، طوری باید اقدام کنیم که دشمن را در خارج از خاک خود متوقف کنیم. به همین خاطر، بر اساس همین استراتژی، موشک‌های دوربرد و مؤثر ما یکی از دستاوردهای مهم مقابله با تهدیدات نظامی هستند. مسئله بدی این است که در دفاع غیرنظامی یا به عبارتی تنها به غیرعامل، ما باید همیشه منتظر باشیم که تجهیزات و امکانات ما در مقابل عملیات غافلگیرانه صهیونیست‌ها و آمریکا قدرت مقابله داشته باشند. بر اساس تئوری‌های بن‌گروین در رژیم صهیونیستی، آن‌ها همیشه دنبال عملیات غافل گیر کننده، مؤثر و سریع هستند و ما هم باید بر اساس این تئوری‌ها خود را مجهز و آماده کنیم. خصوصاً در بحث دفاع غیرعامل، که همه مردم باید حضور داشته باشند و تمام دستگاه‌ها و تجهیزات و امکانات کشور باید قدرت مقابله با چنین عملیات پیش‌دستانه‌ای را داشته باشند. با توجه به اینکه جنگی که در گیر آن هستیم، یک جنگ ترکیبی باهیبردی است و آن‌ها از سیستم‌های آفندی، سایبری، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و تحریمی استفاده می‌کنند و در مقابل ما تنها رژیم صهیونیستی نیست، بلکه آمریکا و هم‌پیمانان ناتو و سنتکام هم مقابل ما قرار دارند. بنابراین، ما باید از همه جهات خود را آماده مقابله با هر گونه تهدید باشیم. عبرت‌های دفاع مقدس به ما موخته که سازمان‌ها و مراکز اطلاعاتی، جاسوسی، ضدجاسوسی و امنیتی ما باید مجهز و متمرکز بر دشمن باشند. الان به نظر می‌رسد که باید یک سازمان مستقل اطلاعاتی و امنیتی با تمرکز بر رژیم صهیونیستی و با امکانات وسیع و گسترده ایجاد شود. این مأموریت تنها به عهده وزارت اطلاعات، سپاه و نیروی قدس نیست، بلکه باید با داشتن، با توجه با چنین عملیات پیش‌دستانه‌ای را داشته ترکیبی باهیبردی است و آن‌ها از سیستم‌های آفندی، سایبری، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و تحریمی استفاده می‌کنند و در مقابل ما تنها رژیم صهیونیستی نیست، بلکه آمریکا و هم‌پیمانان ناتو و سنتکام هم مقابل ما قرار دارند. بنابراین، ما باید از همه جهات خود را آماده مقابله با هر گونه تهدید باشیم. عبرت‌های دفاع مقدس به ما موخته که سازمان‌ها و مراکز اطلاعاتی، جاسوسی، ضدجاسوسی و امنیتی ما باید مجهز و متمرکز بر دشمن باشند. الان به نظر می‌رسد که باید یک سازمان مستقل اطلاعاتی و امنیتی با تمرکز بر رژیم صهیونیستی و با امکانات وسیع و گسترده ایجاد شود. این مأموریت تنها به عهده وزارت اطلاعات، سپاه و نیروی قدس نیست، بلکه باید با داشتن، با توجه با چنین عملیات پیش‌دستانه‌ای را داشته ترکیبی باهیبردی است و آن‌ها از سیستم‌های آفندی، سایبری، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و تحریمی استفاده می‌کنند و در مقابل ما تنها رژیم صهیونیستی نیست، بلکه آمریکا و هم‌پیمانان ناتو و سنتکام هم مقابل ما قرار دارند. بنابراین، ما باید از همه جهات خود را آماده مقابله با هر گونه تهدید باشیم.

ضرورت حمایت عادلانه از کسب و کارهای آسیب‌دیده



نکته مهم این است که دولت می‌تواند در زمینه تسهیل و تقسیت بدهی‌های کسب و کارها به دستگاه‌های دولتی از جمله سازمان تأمین اجتماعی، مالیات و بانک‌ها سیاست‌های حمایتی لازم را در نظر گیرد. بسیاری از واحدهای اقتصادی با کاهش شدید ورودی‌ها مواجه شدند، اما هزینه‌های ثابت آن‌ها همچنان پابرجاست. دولت باید با نگاهی واقع‌بینانه، در قالب بخشودگی یا تقسیت بدهی‌ها، فشار را از دوش این بنگاه‌ها بردارد. البته باید به این نکته هم اشاره شود که منابع دولت هم نیز محدود است. وی همچنین با اشاره به ظرفیت‌های قانونی بودجه‌های سنواتی گفت: نکته سوم، اجرای صحیح مفاد قوانین بودجه سال‌های ۱۴۰۴ به ویژه تسهیلات تبصره ۱۵ این لایحه است. دولت اگر امکانات قانونی در این تبصره را به خوبی اجرا کند،توفیقات خوبی کسب خواهد کرد.



تقویت ارزش پول ملی در اولویت تیم اقتصادی دولت باشد

مصطفی مطورزاده عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در پاسخ به سوالاتی مبنی بر اینکه چگونه باید ارزش پولی ملی حفظ و تقویت شود، گفت: در سال‌های گذشته ارزش پول ملی کاهش پیدا کرده است و این موضوع در تورم و رکود اقتصادی ارتباط مستقیم دارد؛ قطعاً اگر بتوانیم نرخ طلا و ارز را کنترل کنیم و شاهد نوسانات نباشیم ثبات در بازار ایجاد خواهد شدو همین مسئله بر حفظ ارزش پول ملی تأثیر می‌گذارد. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس افزود: بنابراین؛ وقتی ارزش پول ملی کاهش پیدا کند شاهد تورم خواهیم بود، لذا چنین موضوعی باعث می‌شود مردم سرمایه خود را به سمت بازارهای غیر مولد ببرند که باعث خواهد شد پایه پولی افزایش پیدا کند و ایجاد تورم و کاهش ارزش پول ملی را به دنبال دارد؛ بالاخره تا در بازار ثبات ایجاد نشود همچنان شاهد نوسان ارزش پول ملی خواهیم بود. وی عنوان کرد: تیم اقتصادی دولت، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا نوسانات در بازارهای مختلف به ثبات برسد؛ زیرا با این اتفاق شاهد تقویت و رشد ارزش پول ملی هستیم. مطورزاده گفت: دولت باید تمام عواملی که می‌تواند در تقویت ارزش پول ملی تأثیر گذار باشد در دستور کار قرار دهد؛ متقدم یکی از عواملی که می‌تواند در جهت رشد پول ملی موثر واقع شود هدایت نقدینگی به سمت تولید است؛ چرا که اشتغال جوانان فراهم خواهد شد.

«تجارت» تأثیر خروج ندریجی نیروی کار افغانستانی را از کشور بررسی می‌کند

تصویر جدید از بازار کار



شهری مشغول به کار هستند. این حضور گسترده باعث شده است که هزینه تمام‌شده تولید در برخی صنایع کاهش یابد و فعالیت‌های اقتصادی که حاشیه سود کمی دارند، صرفاً به واسطه نیروی کار ارزان این گروه بتوانند ادامه پیدا کنند. به عبارت دیگر، نیروی کار مهاجر باعث پایداری برخی از

کسب و کارها شده است که در غیر این صورت، ممکن بود به دلیل هزینه‌های بالای نیروی کار، فعالیت خود را متوقف کنند. اما در مقابل این موضوع، حضور گسترده مهاجران باعث بروز برخی نگرانی‌ها و چالش‌ها نیز شده است. مسئولان و سیاست‌گذاران دغدغه دارند که افزایش حضور اتباع افغانستانی به ویژه در مشاغل کم‌درآمد، موجب افزایش رقابت در بازار کار و کاهش فرصت‌های شغلی برای کارگران ایرانی شود. این نگرانی زمانی تشدید می‌شود که نرخ بیکاری جوانان ایرانی همچنان بالا باقی می‌ماند و بسیاری از آنها با مشکلات جدی در یافتن شغل مناسب مواجه هستند. علاوه بر این، افزایش جمعیت مهاجران فشار مضاعفی بر سیستم‌های آموزشی، درمانی، بهداشتی و خدمات رفاهی وارد کرده است که هزینه‌های سنگینی برای دولت به دنبال داشته است. این مسائل موجب شده تا در سال‌های اخیر، دولت با اتخاذ سیاست‌هایی همچون محدود کردن ورود مهاجران جدید، کاهش مدت اعتبار کارت‌های اقامت، و حتی اخراج تعدادی از مهاجران غیرمجاز، تلاش کند تا بار مالی ناشی از ارائه خدمات عمومی به این افراد را کاهش دهد. این اقدامات هر چند ممکن است از دید برخی به عنوان راهکاری موقت برای کاهش فشارهای مالی به نظر برسد، اما تبعات اقتصادی و اجتماعی آن نیز باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی، اخراج گسترده اتباع افغانستانی با محدود کردن حضور آنها در بازار کار می‌تواند به کمبود نیروی کار در برخی بخش‌های اقتصادی منجر شود و منجر به افزایش هزینه‌ها و کاهش بهره‌وری گردد. همچنین، فشار بیشتر بر بازار کار برای جذب نیروی ایرانی می‌تواند به افزایش بیکاری و نارضایتی اجتماعی بینجامد. بنابراین، سیاست‌های بازار کار باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن حفظ منافع کارگران ایرانی، از مزایای نیروی کار مهاجر نیز به طور متعادل بهره‌مند شود. برای مقابله با چالش‌های موجود، لازم است اقدامات ساختاری انجام شود؛ از جمله بهبود کیفیت آموزش و تطبیق مهارت‌ها با نیاز بازار، تقویت بخش رسمی اقتصاد و کاهش اشتغال غیررسمی، ایجاد قوانین حمایتی بهتر برای کارگران مهاجر و ایرانی، و توسعه برنامه‌های

بازار کار ایران از دیرباز با مشکلات ساختاری و چالشی‌های متعدد مواجه بوده است. نرخ بیکاری بالا، سهم بالای اشتغال غیررسمی، عدم تطابق بین مهارت‌های آموزش‌دیده شده و نیازهای واقعی بازار کار، و بهره‌وری پایین نیروی کار از جمله مهم‌ترین این مشکلات است. طبق گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در سال‌های اخیر بین ۱۰ تا ۱۲ درصد در نوسان بوده که در بین جوانان به بیش از ۲۰ درصد نیز رسیده است

برخورد‌های سختگیرانه بدون در نظر گرفتن تأثیرات اقتصادی و اجتماعی می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، بهره‌برداری هوشمندانه و برنامه‌ریزی شده از ظرفیت نیروی کار مهاجر، به همراه ارتقاء شرایط بازار کار برای ایرانیان، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات اشتغال و توسعه اقتصادی کشور باشد.

• حضور اتباع خارجی، چالش جند وجهی در بازار کار ایران

حیدر حاج اسماعیلی کارشناس حوزه کار در گفتگویی پیرامون استرداد اتباع غیرمجاز به کشور افغانستان و تأثیر آن بر بازار کار کشور اظهار کرد: موضوع حضور اتباع خارجی در بازار کار ایران سال‌هاست که مطرح شده و یکی از مسائل مهم در حوزه اقتصاد و اجتماعی کشور به شمار می‌رود. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، بیشتر این اتباع در بخش‌هایی فعالیت می‌کنند که اغلب نیروی کار ایرانی تمایل کمتری به آنها دارد؛ مانند بخش ساختمانی، شهرداری‌ها، کارهای مغن‌گیری، نگهبانی، سرایدار ی، دامداری و کشاورزی. به طور مشخص، عمده حضور آنان در بخش ساختمان و فضای سبز شهرداری‌ها دیده می‌شود. به آن توجه داشت‌ه این است که طریک سال و نیم گذشته بخش ساختمان در ایران دچار رکود شده است. این رکود باعث شده تا نیاز فوری و چشمگیری به نیروی کار، حتی نیروی کار خارجی، در این حوزه وجود نداشته باشد. وی تصریح کرد: علاوه بر این، شهرداری‌ها به عنوان دستگاه‌های حاکمیتی و اجرایی برنامه‌های مشخصی برای جذب نیروی کار ایرانی دارند تا خلأ نیروی کار را به صورت داخلی و بدون وابستگی به نیروی خارجی پر کنند. حاج اسماعیلی متذکر شد: دولت نیز با یک برنامه‌ریزی منسجم قصد دارد ابتدا به ساماندهی اتباع خارجی مجرد بدون مدارک و شناساییی بپردازد تا این افراد به کشور خود بازگردند. پس از آن نوبت به افرادی می‌رسد که دارای کارت شناسایی یا تعهد قانونی هستند و حتی فرزندان ی

بازار سرمایه تحت تاثیر شوک جنگ ۱۲ روزه



مدل

بسیاری از نهادها و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت هستند و در شرایطی که از ۱۳۰۰ همتی که ارزش بازار سرمایه افت کرده، حدود ۱۰۰۰ همت‌زبان مربوط به نهادهای دولتی و صندوق‌های بانزشتگی است،

دولت به راحتی می‌تواند با حمایت ۱۰۰ همتی از بازار

سرمایه از یک زبان به مراتب بزرگ‌تر بر بازار سرمایه

جوگیری کند و منطقی است که دولت در این شرایط از

بازار حمایت کند. دلبری خاطرنشان کرد: با این حال در

این شرایط بازار به لحاظ ارزش تقریرا در وضعیت مناسبی

قرار دارد، چراکه در اکثر بحران‌ها و ریزهای بازار سرمایه

P/E بازار دو رقمی بود در حالی که در ریزش اخیر P/E بازار

گروه اقتصاد کلان: مهدی دلبری کارشناس بازار سرمایه

در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به وضعیت فعلی بازار سرمایه

پس از جنگ اخیر و حمله رژیم صهیونیستی به کشور در

هفته‌های گذشته اظهار کرد: طی دو دهه اخیر، نزدیک به

۱۰ مورد ریزش بالای ۲۰ درصد در شاخص بورس کشور

رخ داده که علت هر کدام متفاوت بود، برای مثال غیر از

مورد سال ۱۳۹۹ و ۱۳۹۲ باقی موارد با مربوط به افت قیمت

جهانی بود یا برخی عوامل مثل تحولات منطقه‌ای بوده

است. این کارشناس بازار سرمایه تصریح کرد: اما اتفاقی

که طی هفته‌های اخیر رخ داده بود، نسبت به شوک‌های

سیاسی گذشته متفاوت بود؛ چرا که شوک ناشی از جنگ

همیشه بالاترین شوک سیاسی بوده به اقتصاد است و در

حقیقت در این شرایط نمی‌توان به خوبی به سهامداران

توصیه کرد که چگونه از زیان ناشی از جنگ جوگیری

کند. وی در ادامه گفت: اما در شرایطی که اقتصاد کشور